

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"

فرستنده: احمد پوپل

۱۹ می ۲۰۲۵

کبود

زیرِ خروش و جنبشِ ظاهر

زیرِ شتابِ روز و شبِ موج

در خلوتِ زنده عمقِ خلیجِ دور

آنجا که نور و ظلمت، آرام خفته اند

درهم، ولی گریخته از هم،

آنجا که راه بسته به فانوس دارِ روز،

آنجا که سایه می خورد از ظلمتش به روی

روئیای رنگ دخترِ دریایِ دور را -

آنجا کبود خفته

نه غمگین نه شادمان...

بی انتهای رنگِ دو چشمِ کبودِ تو

وقتی که مات می بردت، با سکوتِ خویش

خاموش و پُر خروش

چون حمله های موج بر ساحل، به گوشِ کر،

آنجا که نور و ظلمت داده به پشتِ پشت

آشوب می کند!

ای شرم!

ای کبود!

تنها برای مردمکِ چشم های اوست

گر می پرستم.

خاموش وار خفته این مردم کیود
در نغمه فسونگر جنجال چشم تو
نُت های بی شتاب سکوت است.

یا آنکه ناگهان در یک سونات گرم
بعد از شلوغ و همه ه هرچه ساز و سنج
بر شستی پیانو
تک ضربه های نرم.

این رنگ خواب دار
در والس های پُر هیجان دو چشم تو
نُت های تُرد و نرم سکوت است.

این ساکت کیود، جنون من است و من
تنها برای مردمک چشم های تو
سنگین نرم خفته عمق خلیج را
بُتوار می پرستم...

ای شرم!

ای کیود!

تنها برای مردمک چشم های اوست
گر می پرستم.